قاتل محله نبرد در پرند به دام افتاد

مردی که در یکی از پارک‌های شرق تهران مرتکب قتل شده بود در شهر پرند به دام افتاد.

به گزارش «جوان»، بعدازظهر روز یک‌شنبه هجدهم آذرماه امسال، قاضی سالار صنعتگر، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس مأموران پلیس از قتل مرد جوانی در یکی از پارک‌های محله نبرد باخبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد.

تیم جنایی کنار یکی از نیمکت‌های پارک با جسد مرد ۳۵ ساله‌ای روبه‌رو شد که با ضربه چاقو به قتل رسیده بود. بررسی‌ها نشان داد مقتول با مرد جوانی درگیر شده و به قتل رسیده است. در ادامه مأموران با بازبینی دوربین‌های مداربسته قاتل را شناسایی و وی را تحت تعقیب قرار دادند. متهم در نهایت در مخفیگاهش در شهر پرند دستگیر و به اداره پلیس تهران منتقل شد. تحقیقات از قاتل ادامه دارد.

حقوقمان را نمی‌داد کشتیمش!

■ **جلال مهرگان**

سه کارگر که به اتهام قتل کارفرمایشان بازداشت شده‌اند، مدعی هستند به خاطر پرداخت نشدن حقوقشان با مقتول درگیر شده و حادثه رقم خورده است.

دو سال قبل زنی به مأموران پلیس خبر داد که شوهرش گم شده‌است. او گفت: شوهرم حمیدرضا، سرکارگر ساختمانی در حال ساخت است. روز گذشته مثل همیشه سر کار رفت، اما دیگر برنگشت. هر چه با گوشی تلفن همراهش تماس گرفتم خاموش بود، برای همین نگران شدم و به محل کارش رفتم و سراغش را از کارگرانی که مشغول کار بودند، گرفتم. آنها گفتند چند روزی است که حمیدرضا به آنجا نرفته و از او خبری ندارند. بعد با دوستان و بستگان هم تماس گرفتم، کسی از شوهرم خبر نداشت برای همین تصمیم گرفتم به پلیس خبر دهم.

■ **آغاز تحقیقات**

بعد از مطرح شدن شکایت، مأموران پلیس راهی ساختمان مورد نظر شدند و در این‌باره تحقیق کردند. کارگران در جریان تحقیقات انجام شده مدعی شدند از حمیدرضا خبری ندارند. سه کارگر به نام‌های غلامرضا، محسن و کریم در جریان بررسی‌های بعد به قتل اعتراف کردند. آنها گفتند به خاطر پرداخت نشدن حقوقشان با حمیدرضا درگیر شدند و حادثه قتل اتفاق افتاد. بعد هم جسد را به بیابان‌های شهر بردند و دفن کردند. با اطلاعاتی که سه متهم در اختیار پلیس گذاشتند، مأموران راهی محل شدند و بقایای جسد را کشف و به پزشکی قانونی منتقل کردند. متهمان در بازجویی‌های بعدی به قتل اعتراف کردند و صحنه جرم را هم بازسازی کردند. با کامل شدن بررسی‌ها، بازپرس متهمان را مجرم شناخت و پرونده بعد از صدور کیفرخواست به شعبه ۱۳ دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع شد.

■ **محاکمه**

در جلسه رسیدگی به پرونده بعد از اینکه اولیای‌دم گفتند خواسته‌شان قصاص عاملان حادثه است، کریم در جایگاه قرار گرفت و گفت ما قصد کشتن حمیدرضا را نداشتیم. او سرکارگر بود و از کارفرما پول گرفته‌بود، اما حاضر نمی‌شد حقوق ما را بدهد. چندبار به او گفتم حقوقمان را بدهد، اما توجه نمی‌کرد. روز حادثه هم داشتیم غذا می‌خوردیم که دوباره موضوع حقوق را مطرح کردیم و خواستیم طلب ما را بدهد، اما به جای اینکه پول را بدهد، شروع به داد و بیداد کرد که ما هم عصبانی و با او درگیر شدیم. من و محسن با بیل به او ضربه زدیم که روی زمین افتاد و از هوش رفت. بعد دیدیم که نفس نمی‌کشد که فهمیدم فوت شده‌است. از اتفاقی که افتاده بود، ترسیده بودیم. منتظر شدیم و نیمه شب غلامرضا جسد را داخل گونی گذاشت و از ساختمان بیرون برد. در ادامه دو متهم دیگر در جایگاه حاضر شدند و حرف‌های کریم را تأیید کردند. هیئت قضایی بعد از شنیدن آخرین دفاع متهمان، وارد شور شد و کریم و محسن به قصاص محکوم شدند. رأی صادر شده در دیوان عالی کشور بررسی و از سوی قضات دیوان عالی کشور نقض شد و از دادگاه درخواست شد تحقیقات بیشتری درباره پنهان کردن جسد انجام شود. بعد از آن بود که پرونده به دادسرا ارجاع و تحقیقات مورد نظر انجام شد و سه متهم دوباره به میز محاکمه بازگشتند. در جلسه رسیدگی به پرونده محسن و کریم اتهام قتل را قبول کردند، اما گفتند در انتقال جسد نقش نداشتند و غلامرضا جسد را به تنهایی دفن کرده‌است. هیئت قضایی بعد از شنیدن دفاعیات متهمان وارد شور شد.

قتل به خاطر نگاه چپ

■ **آرمین بینا**

پسری که در جریان درگیری به خاطر نگاه چپ، نوجوان ۱۷ساله را در بازار تهران با ضربات چاقو به قتل رسانده بود قبل از خروج از کشور به دام افتاد.

صبح شنبه سوم آذرماه امسال، مأموران پلیس تهران به قاضی صادق تبریزی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی خبر دادند پسر جوان زخمی پس از انتقال به بیمارستان ابن‌سینا به قتل رسیده است.

با اعلام این خبر، بازپرس جنایی همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی بیمارستان و در آنجا با جسد پسر ۱۷ ساله‌ای به نام فرامرز روبه‌رو شدند که با ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده بود.

■ **درگیری خونین در بازار**

بررسی‌ها نشان داد مقتول شامگاه گذشته ساعت ۲۰:۴۰ دوم آذرماه همراه تعدادی از دوستانش در حوالی بازار تهران با چند پسر جوان دیگر نزاع دسته‌جمعی را رقم می‌زنند. دو گروه از قبل با هم اختلاف داشتند و وقتی دوباره یکدیگر را می‌بینند با چوب و چاقو به جان هم می‌افتند و در جریان آن فرامرز با ضربات چاقو زخمی می‌شود و چند ساعت پس از انتقال به بیمارستان به کام مرگ می‌رود.

بدین ترتیب همزمان با انتقال جسد پسر جوان به پزشکی قانونی، مأموران تحقیقات خود را برای شناسایی عاملان درگیری مرگبار آغاز کردند. مأموران پلیس در تحقیقات میدانی به ردپای پسر جوانی به نام کامران رسیدند که شب حادثه در دومین درگیری با مقتول و دوستانش دست به چاقو شده و پسر ۱۷ ساله را با ضربات متعدد چاقو زخمی کرده و از محل گریخته است.

سپس مأموران راهی خانه کامران و دوستانش شدند، اما دریافتند تمامی متهمان به مکان نامعلومی گریخته‌اند.

در ادامه تحقیقات، مأموران دو نفر از متهمان را شناسایی و بازداشت کردند. آنها در بازجویی‌ها به درگیری اقرار و اعتراف کردند هر کدام از آنها ضربه‌ای به سمت مقتول پرت کرده‌اند، اما کامران ضربات متعدد را زده است.

■ **نگاه چپ**

پس از دستگیری دو نفر از متهمان نزاع دسته‌جمعی خونین، مأموران جست‌وجو برای پیدا کردن ردی از قاتل فراری را ادامه دادند که مشخص شد او قصد دارد از ایران خارج شود. مأموران در نهایت رد کامران را زدند و چند روز قبل متهم را قبل از فرار از ایران به دام انداختند و به اداره پلیس تهران منتقل کردند.

متهم در بازجویی‌ها با اظهار پشیمانی به قتل پسر ۱۷ ساله اعتراف و ادعا کرد درگیری خونین آنها به خاطر یک نگاه چپ رخ داده است. در حالی که تحقیقات برای دستگیری آخرین فرد این نزاع مرگبار ادامه دارد، متهم به دستور بازپرس جنایی برای تحقیقات بیشتر و برملا شدن زوایای پنهان حادثه در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

■ **گفت‌وگو با متهم**

متهم ۲۱ سال سن دارد و اظهار پشیمانی می‌کند و به گفته خودش فکر نمی‌کرده در این سن دستش به خون پسر جوان دیگری آلوده شود.

کامران مقتول را می‌شناختی؟

نه، من و دوستانم، او و دوستانش را یک ساعت قبل دیده بودیم و بار دوم که یکدیگر را دیدیم این اتفاق تلخ رخ داد.

دو بار با هم درگیر شده بودید؟

بله، بار اول در یک بوستان با هم درگیر شدیم و بار دوم هم در یکی از خیابان‌های حوالی بازار با هم درگیر شدیم.

بار اول چرا با هم درگیر شدید؟

آن شب همراه تعدادی از دوستانم برای تفریح به بوستانی رفته بودیم. ما با هم شوخی می‌کردیم و می‌خندیدیم که مقتول و دوستانش به ما چپ‌چپ نگاه کردند و سپس تذکر دادند که صدایمان را بلند نکنیم. البته صدای خنده و شوخی ما بلند بود، اما یک نگاه چپ از سوی آنها باعث شد با هم درگیر شویم. ما یکدیگر را به شدت کتک زدیم که دقایقی بعد درگیری اول ما تمام شد.

چه شد که درگیری در پارک به خیر گذشت؟

وقتی با هم درگیر شدیم، تعدادی از رهگذران و افرادی که برای تفریح به پارک آمده بودند میانجیگری کردند و درگیری تمام شد و آنها هم از پارک رفتند، اما فکر نمی‌کردم که این درگیری ادامه داشته باشد و الان من قاتل باشم.

پس از درگیری آنها را تعقیب کردید و دوباره درگیر شدید؟

نه، خیلی اتفاقی مقتول و دوستانش را در یکی از خیابان‌های اطراف بازار دیدیم.

چه شد که دوباره درگیر شدید؟

آن شب ساعتی بعد من و دوستانم داخل خیابان به صورت اتفاقی مقتول و دوستانش را دیدیم و چون از درگیری قبلی کینه داشتیم بار دیگر با هم چشم در چشم و درگیر شدیم. در درگیری مقتول و دوستانش با چوب دستی به ما حمله کردند و من و دوستم را زدند. مقتول پس از اینکه مرا با چوب‌دستی کتک زد فرار کرد و من هم با دوستم او را تعقیب کردیم و وقتی به او رسیدم خیلی عصبانی بودم و با چاقو چند ضربه به او زدم. البته سه دوست دیگرم که الان دو نفرشان بازداشت شده‌اند و یکی از آنها نیز فراری است، ضرباتی با چاقو به مقتول زدند.

بعد چه شد؟

وقتی او خونین روی زمین افتاد، ما از ترس فرار کردیم.

کی متوجه شدی او به قتل رسیده است؟

یکی از دوستانم آنها را تعقیب کرده بود و بعد از چند ساعت به ما خبر داد که پسر جوان در بیمارستان فوت کرده و ما هم از ترس فرار کردیم.

به کجا فرار کردید؟

هر یک از ما به خانه و باغ اقوام رفتیم و برای مدتی پنهان شدیم.

قصد داشتی از ایران خارج شوی؟

بله، من مدتی در مکانی پنهان شدم و بعد به خانه یکی از بستگانم رفتم تا خانواده‌ام مرا از ایران به ترکیه و از آنجا به آلمان فراری دهند، اما در آخرین مخفیگاه به دام افتادم. البته خانواده‌ام مرا تشویق می‌کردند که خودم را به پلیس معرفی کنم.

حرف آخر؟

خیلی پشیمانم.

اجیر کردن ۳ آدم‌ربا برای رسیدن به ارثیه خانوادگی

■ **غلامرضا مسکنی**

مردی که برای رسیدن به ارثیه خانوادگی سه آدم‌ربا برای ربودن برادرش اجیر کرده، تحت تعقیب پلیس تهران قرار گرفت.

چند روز قبل مرد جوانی در تهران وحشت‌زده به اداره پلیس رفت و از برادرش و سه مرد دیگر به اتهام آدم‌ربایی شکایت کرد.

وی در توضیح ماجرا گفت: «من و برادرم مدتی است بر سر ارثیه خانوادگی با هم اختلاف داریم. اختلاف ما حدود ۱۰ میلیارد تومان است و چند باری هم با برادرم صحبت کرده بودم تا اختلافمان را حل کنیم، اما او به جای اینکه اختلافمان را حل کند، سه مرد را اجیر کرد؛ آنها مرا ربودند و به کمپ ترک اعتیاد منتقل کردند.»

■ **آدم‌ربایی با گونی**

وی ادامه داد: «یک ماه قبل در خانه‌ام نشسته بودم که زنگ خانه به صدا درآمد. پشت در مردی خودش را همسایه معرفی کرد و من هم در را باز کردم. ناگهان سه مرد درشت‌اندام به زور وارد خانه‌ام شدند و مرا به شدت کتک زدند و دست و پایم را با طناب بستند و مرا داخل گونی انداختند و به صندوق عقب خودرویی منتقل کردند و خودرو به راه افتاد. داد و فریادهای من به جایی نرسید و آدم‌ربایان در نهایت مرا داخل کمپی در اطراف تهران از خودرو بیرون آوردند و در اتاقی حبس کردند. وقتی از آنها پرسیدم چرا مرا ربوده‌اید، ادعا کردند معتاد به موادمخدر هستم و مرا به دستور برادرم برای ترک اعتیاد به کمپ منتقل کرده‌اند.»

■ **اسارتگاه**

وی افزود: «هر چقدر گفتم من مهندس هستم و اصلاً اعتیاد ندارم و با برادرم اختلاف مالی دارم، قبول نکردند. از طرف دیگر التماس‌هایم فایده‌ای نداشت و در ادامه هم شکنجه‌های دردناک آنها شروع شد که فهمیدم شکنجه‌ها را هم به دستور برادرم انجام می‌دهند. آنها مرا ساعت‌ها در اتاقی حبس می‌کردند و آب سرد روی بدنم می‌ریختند و می‌گفتند تا اعتیادم را ترک نکنم از کمپ خارج نمی‌شوم. هر زمانی که از خوردن داروهای آنها خودداری می‌کردم با لوله و چوب به جانم می‌افتادند و حتی افراد معتادی هم که در حال ترک بودند وارد اتاق می‌شدند و مرا کتک می‌زدند. در این مدت علاوه بر شکنجه مقدار کمی به من غذا می‌دادند که فقط نمیرم و زنده بمانم. شکنجه‌گران می‌گفتند احتمال دارد یک سالی در اسارتگاه بمانم، به همین دلیل وقتی دیدم جانم در خطر است ترفندی به فکرم رسید و برای فرار از دام شکنجه‌گران آن را انجام دادم. برای فرار تنها راهی که داشتم باید بیمار و به بیمارستان منتقل می‌شدم، به همین خاطر مقداری مایع ظرفشویی خوردم، پس از آن حالم خیلی بد شد و آنها هم از ترس اینکه در کمپ فوت نکنم مرا برای درمان به بیمارستان منتقل کردند. وقتی حالم کمی بهتر شد لباس پرستاری پوشیدم و از بیمارستان فرار کردم و بلافاصله برای شکایت به اداره پلیس آمدم.»

■ **بازداشت شکنجه‌گران**

با شکایت مرد جوان، پرونده به دستور قاضی عظیم سهرابی، بازپرس شعبه نهم دادسرای امور جنایی تهران برای رسیدگی در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت. مأموران پلیس در نخستین گام به کمپ ترک اعتیاد رفتند و سه مرد شکنجه‌گر را بازداشت کردند. یکی از متهمان گفت: «یک روز قبل از حادثه برادر شاکی به کمپ آمد و گفت برادر جوانش معتاد به شیشه و آدم خطرناکی شده است و تصمیم دارد خانواده‌اش را بکشد. او از ما خواست برادرش را به کمپ منتقل کنیم تا اعتیادش را ترک کند. برادرش هزینه‌ها را پرداخت کرد و گفت اگر برادرم ترک نکرد او را به زور ترک دهیم و ما هم به دستور برادرش او را به کمپ بردیم تا ترک کند. ما تصور می‌کردیم او معتاد خطرناکی است و خبر نداشتیم برادرش با او اختلاف مالی دارد و برای همین برایش پاپوش درست کرده است.»

دو متهم دیگر هم اظهارات همدست شان را تأیید کردند.

با به دست آمدن این اطلاعات، مأموران به دستور بازپرس جنایی برای بازداشت شاکی به خانه او رفتند، اما دریافتند متهم وقتی در جریان شکایت برادرش قرار گرفته به مکان نامعلومی گریخته است.

تکرار خشم آتشین طبیعت در امریکا

دور تازه آتش‌سوزی‌های امریکا دهها هزار نفر از ساکنان مناطق کوهستانی شمال لس‌آنجلس را مجبور به ترک خانه‌هایشان کرد. شدت آتش به حدی است که هر دو ثانیه زمینی به مساحت یک زمین فوتبال را به خاکستر تبدیل می‌کند.

حدود ظهر روز چهارشنبه هفته گذشته دهها هزار نفر از ساکنان بخش کوهستان‌های شمال لس‌آنجلس با دریافت خبر آتش‌سوزی دوباره وحشت‌زده خانه‌هایشان را ترک کردند. محل حادثه شهر کاستئیک است که حدود ۲۴ کیلومتری شمال‌غربی شهر سانتاکلاریتا در ۸۰ کیلومتری شمال لس‌آنجلس واقع شده و به جنگل ملی آنجلس محدود می‌شود. با وجود حضور امدادگران به دلیل سرعت زیاد آتش‌سوزی «هیوز» امکان کنترل آن وجود نداشت، برای همین امدادگران چاره‌ای جز دادن هشدار تخلیه به ساکنان نداشتند. در حال حاضر هم آتش به سرعت در حال گسترش است و تا اوایل پنج‌شنبه به ۱۰ هزار و ۱۷۴ هکتار افزایش یافت. این آتش‌سوزی‌ها با ترکیبی از بادهای قدرتمند شعله‌ور شدند و آنگونه که گزارش شده سرعت آتش هر ۲ تا ۳ ثانیه مساحتی به اندازه یک زمین فوتبال را می‌سوزاند. این آتش‌سوزی دو هفته بعد از آن به راه افتاد که وزش باد شدید باعث رشد سریع چند آتش‌سوزی طبیعی در لس‌آنجلس شد که ۲۸ کشته به‌جا گذاشت و هزاران بنا را ویران کرد و خسارات ناشی از آن تاکنون ۲۷۵ میلیارد دلار برآورد شده است. دور دوم آتش‌سوزی‌های امریکا در حالی شدت گرفته که به دلیل دوره انتقال ریاست جمهوری در این کشور نگاه‌ها از این حادثه به سمت ریاست جمهوری جلب شده تا اینکه موج تازه‌ای از آتش‌سوزی‌ها آغاز شد. کارشناسان اعلام کرده‌اند، ممکن است ماه‌ها طول بکشد تا دلیل آتش‌سوزی‌ها مشخص شود. با این حال اداره جنگل‌داری کالیفرنیا می‌گوید انسان‌ها عامل ۹۵درصد از آتش‌سوزی‌های کالیفرنیا هستند، اما این حادثه می‌تواند تصادفی باشد.

یادداشت

کدام حقوق ۲۰ میلیون تومانی؟!

حسین فصیحی
دبیر گروه حوادث

رئیس‌جمهور از وخامت وضع جامعه سخن می‌راند و می‌گوید با حقوق ۲۰میلیون تومان نمی‌شود در پایتخت زندگی کرد. خدا پدرش را بیامرزد، مثل اسلاف اصلاح‌طلبان که بیم داشتند کفش‌هایشان غبارآلود شود هنگام خواب به دنبال تشک نرم نمی‌گردد. با این حال آنچه او و مدیران می‌گویند در واقع درد جامعه است که باید به فکر راهی برای درمان آن باشند. مدیران جامعه ما وقتی از معضلات اجتماعی حرف می‌زنند، طوری ژست می‌گیرند که انگار مردم مقصر وضع موجود هستند. این حقیقت را نمی‌شود در تهران با ماهی ۲۰ میلیون تومان زندگی کرد، هر کور و کچلی که در تهران زندگی می‌کند، می‌داند. رئیس‌جمهور و وزیر ارشادش بد نیست بدانند روزنامه‌نگاران حتی بعد از دو دهه جان کندن در حوزه فرهنگ، ماهی ۲۰ میلیون تومان هم نمی‌گیرند. تأثربارتر اینکه امروز و فردای این قشر مثل دیروزشان با دلشوره دنبال می‌شود. سوی دیگر ماجرا اینکه ما وقتی با دزدها حرف می‌زنیم و می‌گوییم چرا از دیوار مردم بالا می‌روید، می‌گویند حقوقمان کفاف زندگی‌مان را نمی‌داد برای همین طاقت‌مان طاق شد و از دیوار مردم بالا رفتیم که به نان و نوای بیشتری برسیم. از آنها سؤال می‌کنیم این دلیل نمی‌شود به مال مردم دست‌درازی کنید. مردم هم برای جمع کردن مالشان تلاش کرده‌اند. دزدها هم استدلال‌های خودشان را دارند و خیلی‌هایشان استدلال می‌کنند اختلاس‌های کلان در کشور اتفاق می‌افتد و آب از آب تکان نمی‌خورد، ما که دستمان به اختلاس کردن نمی‌رسد برای همین دزدی می‌کنیم تا شاید پولدار شویم. خیلی از آنها هم استدلال‌های داستان‌های عبید زاکانی را دارند که گفته است «سارق گوسفند می‌دزدید و از گوشتش صدقه می‌کرد. از او پرسیدند این چه معنایی دارد؛ گفت ثواب صدقه با گناه دزدی برابر گردد و در میانه پیه و دنبه‌اش اضافی باشد». «درد» و «دزد» را از هر طرف بخوانند «درد» و «دزد» است.

آنهایی که قرار است به فکر درد مردم باشند طلبکارانه با مردم حرف نزنند و اجازه ندهند جامعه به دردهایی مبتلا شود که تحمل آن از کف خارج شود و افراد به خود و دیگران آسیب برسانند.

باید در نظر داشت بسیاری از افراد آسیب‌دیده به دلیل ترک‌فعل‌هایی که در جامعه صورت می‌گیرد از زندگی عادی به درون آسیب سقوط می‌کنند. این آسیب‌ها در بدنه اجتماعی شیوع پیدا می‌کند و در معرض نگاه مردم قرار می‌گیرد.

بنابراین وقتی حرف سیاستمداران با عملشان در تناقض است، این حرف‌ها برای جامعه ارزش ندارد. بسیار گفته می‌شود این سخن سعدی علیه‌الرحمه که «منت خدای را عزوجل که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت. هر نفسی که فرو می‌رود، مُمد حیات است و چون بر می‌آید مُفرح ذات. پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب.»

حقیقت این است که در وضعیت امروز هر نفسی که فرو می‌رود، دلار یک قیمت است و چون برمی‌آید قیمتی بالاتر و از نوسان این جابه‌جایی، قیمت ثروت سرمایه‌داران افزون و فلاکت اجتماعی بیشتر می‌شود. شکر خدا که سعدی این روزها را درک نکرد و با دلار ۸۰ هزار تومانی تنفس نکشید که بعید بود با حقوق ۲۰ میلیون تومانی می‌توانست بوستانی و گلستان بسراید.

مجروح شدن کودک خردسال در انفجار مواد محترقه

سخنگوی آتش‌نشانی تهران از مجروح شدن کودک سه ساله در انفجار مواد محترقه در خانه‌ای در دولت‌آباد خبر داد.

جلال ملکی، سخنگوی آتش‌نشانی تهران گفت: ساعت ۱۲:۳۶ ظهر روز گذشته، آتش‌نشانان ایستگاه ۱۴ بعد از دریافت خبر انفجار در خیابان علی نبات دولت‌آباد به محل حادثه اعزام شد. بررسی‌ها نشان داد خانه قدیمی دو طبقه به محل تولید مواد محترقه تبدیل شده و حادثه انفجار در بخشی از حیاط که کودک سه ساله در آن مشغول بازی بود، اتفاق افتاده و طفل دچار سوختگی سطحی شده است. سخنگوی آتش‌نشانی تهران با بیان اینکه حادثه جزئی بود، عنوان کرد: با وجود اینکه زمان زیادی تا تا چهارشنبه‌سوری باقی مانده، اما شاهد هستیم افراد سودجو در حال تولید و انبار کردن مواد محترقه هستند، از همین‌رو ضرورت دارد خانواده‌ها با آگاهی رساندن به فرزندانشان، آنها را از خطرهای پیش‌رو باخبر کنند.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۶۰۰۵۰۲۳۶۰۴ هیئت دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نیشابور تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای امیر یگانگی فرزند محمداسمعیل در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۲۸،۵۷ متر مربع از پلاک شماره ۸۵۸ فرعی از ۲۳۳ اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک نیشابور خریداری از مالک رسمی آقای رجبعلی اربابیان محرز شده است. بنابراین مراتب به منظور اطلاع عموم در دو روزنامه یکی روزنامه محلی و دیگری در روزنامه کثیر الانتشار و در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود، در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم کنند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

م الف ۵۰۲۲
تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۳/۱۱/۰۶
تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۳/۱۱/۲۱
مجتبی لطفی پور
رئیس ثبت اسناد و املاک نیشابور

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۶۰۰۵۰۲۳۰۱۷ هیئت دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نیشابور تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای جعفر مسلمی فرزند محمد جواد در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۹۶،۲۶ متر مربع از پلاک شماره ۱۷ اصلی واقع در بخش ۵ حوزه ثبت ملک نیشابور خریداری از مالکان رسمی خانم ناهید فتحی نجفی فرزند محمد علی و آقای حسین جعفری محرز شده است. بنابراین مراتب به منظور اطلاع عموم در دو روزنامه یکی روزنامه محلی و دیگری در روزنامه کثیر الانتشار و در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود ،در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند ، از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم کنند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

م الف ۵۰۲۴
تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۳/۱۱/۰۶
تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۳/۱۱/۲۱
مجتبی لطفی پور
رئیس ثبت اسناد و املاک نیشابور

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۶۰۰۵۰۲۳۶۰۵ هیئت دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نیشابور تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علی اکبر بیاتی فرزند محمدرضا در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۲۷،۰۵ متر مربع از پلاک شماره ۶۹ فرعی از ۲۳۱ اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک نیشابور خریداری از مالک رسمی آقای غلامعلی تنگدست محرز شده است. بنابراین مراتب به منظور اطلاع عموم در دو روزنامه یکی روزنامه محلی و دیگری در روزنامه کثیر الانتشار و در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود ، در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم کنند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

م الف ۵۰۲۳
تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۳/۱۱/۰۶
تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۳/۱۱/۲۱
مجتبی لطفی پور
رئیس ثبت اسناد و املاک نیشابور

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آیین نامه اجرایی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابررای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۰۸۰۰۷۲۰۵ تاریخ ۱۴۰۳،۰۹،۲۴ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان های فاقدسندرسمی مستقردرواحدثبتی شهرستان آق قلا پرونده کلاسه ۱۴۰۱۱۱۴۴۱۲۰۰۸۰۰۰۴۸۷ تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی اقای عبدالناصر چرکزی فرزند قربانقلی به شماره شناسنامه ۴ کدملی ۲۲۶۹۷۵۶۱۰۱ صادره علی آباد درششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۴۵۴۴ مترمربع . مفروز ومجزی شده جزیی ازپلاک ثبتی شماره ۳۳ فرعی از ۲ اصلی واقع دراراضی کوچک استاجیق بخش ۱۳ حوزه ثبتی ملک شهرستان اق قلا ازسهمی اقای صفر محمدی تایید گردیده است .لذابه منظوراطلاع عموم مراتب دردو نوبت به فاصله پانزده روزآگهی می شودازاین رواشخاصی که نسبت به صدورسندمالکیت متقاضی اعتراض داشته باشندمی توانندازتاریخ انتشاراولین آگهی بمدت دوماه اعتراض خودرابه این اداره تسلیم وپس ازاخذرسیدظرف مدت یکماه ازتاریخ تسلیم اعتراض ،دادخواست خودرابه مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نماید.بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادرخواهدشد.

مهناز جهانفر
رئیس اداره ثبت اسناد واملاک آق قلا
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۱۱/۶
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۱۱/۲۱